

کاشمش

■ گلشن مهر شناسنامه گلستان است

■ یکشنبه ۵ اسفند ماه ۱۴۰۳/ سال بیست و ششم / شماره ۸/ صفحه ۲۵۰۰ تومان



۲

ضریب نفوذ بیمه
۲.۷ درصد است



۳

توتون گلستان؛
صنعتی که هویت طبیعت را حفظ می کند



۳

صادرات گلستان از ۴۱۵ میلیون دلار
فرا تر رفت



سرای فرهنگ و رسانه برگزار می کند

دوره می فرهنگی

نشست شانزدهم

گفتمان پیرامون

السنکده

قابلیت ها . فرصت ها
چالش ها . تهدیدها

مکان:
گرگان، خیابان گلپا، کوچه گلبرگ یکم
مرکز آموزش بهوزی دانشگاه علوم پزشکی

زمان:
سه شنبه ۷ اسفند ۱۴۰۳
ساعت ۱۸

یادداشت اول

روز خواجه نصیر الدین طوسی

■ با مسوولیت سردبیر

پنجم اسفند ماه علاوه بر آنکه جشن ایرانی سپندارمذ است، روز بزرگداشت خواجه نصیرالدین طوسی است و به نام روز مهندس نامگذاری شده است. طوس در زمره شهرهای تاثیرگذار در ساحت ایران زمین است، زیرا از طوس انسان های بزرگی در خدمت به ایران برخاسته اند. حکیم و حماسه سرای بزرگ ایران فردوسی طوسی، ابوجعفر طوسی معروف به شیخ طایفه از ارکان فقه شیعه، احمد و محمد غزالی طوسی، خواجه نظام الملک طوسی وزیر دانای سلجوقی و موسس مدارس نظامیه و مولف سیاست نامه و خواجه نصیر الدین طوسی که علاوه بر آنکه از بزرگان ریاضیات و ستاره شناسی روزگار خود بود، صاحب تالیف ارزشمند اخلاق ناصری است که در آن به حکمت و امر سیاسی نیز توجه کرده است. خواجه نصیر الدین در روزگار خود و با آنکه شرایط سیاسی و اجتماعی به کام او نبوده است تلاش کرد تا با ساخت و راه اندازی رصدخانه مراغه به فرمان هولاکو و جمع آوری کتابها و آثار علمی در کتابخانه انجا و دعوت از استادان و دانشمندان مناطق مختلف به جامعه بشری خدمت کند، در کنار آن در کتاب اخلاق ناصری تلاش کرد با تعریف جایگاه انسان در هستی نگاهی عمیق تر و دقیق تر به امر سیاست و حکمرانی بیندازد و خلفا و امرای محلی را با مفاهیمی مانند عدالت و فضیلت آشنا کند و نشانگر آنکه مهندسی اگر چه امروز علمی در حوزه فنی است اما باید با زیر ساختهای علوم انسانی و حکمت به سامان رسیده باشد و الا انسانها با فهمی یک جانبه از پدیده ها راه به جایی نخواهند برد. علاوه بر این باید بگوئیم امروزه همگان می دانند دانش مهندسی چه تاثیر ژرفی بر روح و روان شهروندان دنیای مدرن گذاشته است. تصور کنید به شهری قدم می گذارید که هارمونی و نظم درونی ساختمانهای آن روح و روانت را آرام می کند، دیوارکشی های محلات آن شهر در کنار مبلمان شهری و پیاده روها به گونه ای است که هر عابری حس مثبتی در خود شکوفا می بیند، تنوع گل ها و درختهایی که با دقت و روش منادی طراحی شده باشند...

ادامه در صفحه ۲

اگر زبان مادری بمیرد، هویت ما
چه می شود؟
« ۸ »



پایان ساختمان هواشناسی گنبدکاوس؛
گامی به سوی رصد راداری دقیق تر
« ۷ »



سینما

« ۴-۵ »

روایای خود کفایی گندم



محمد صادق سالاری - گندم به عنوان غذای اصلی اغلب جوامع از جمله ایران یک کالای استراتژیک و راهبردی است و از اهمیت ویژه ای برخوردار است، در عین حال بیش از ۹۰ درصد گندم تولیدی دنیا در حدود ۴۰ کشور تولید می شود و کمتر از ۲۵ کشور در دنیا هستند که در تولید گندم خودکفا هستند و وارد کننده گندم محسوب نمی شوند. جمهوری اسلامی ایران از سال ۱۳۶۸ سیاست خودکفایی در تولید گندم را رسماً در پیش گرفته است که شاید منشا این تصمیم را باید در وضعیت ناپایدار روابط بین المللی یا

دریافت و روایتی که از مفهوم استقلال در فرهنگ سیاسی جمهوری اسلامی رایج بود ارزیابی کرد. از آن سالها تاکنون سه بار جشن خودکفایی گندم برگزار شده است، اما با اینکه کشت، تولید و مصرف این محصول همیشه با چالش ها و بحث های جلدی رو به رو بوده است هیچ گاه این پرسش در فضای عمومی ایران بوجود نیامده است که آیا اتخاذ یا دست کم ادامه "سیاست خودکفایی" در تولید گندم، سیاست درستی است و آیا این سیاست ثروت سازی محسوب می شود یا به دلایل مختلف باعث هدر رفت منابع زیستی و مالی کشور می شود؟

یک شرایط نرمال عموماً به این شکل است که سیاست در خدمت اقتصاد قرار دارد و مجموعه راهبردهای حاکمیتی با هدف تولید ثروت و سودسازی و در نهایت ایجاد توسعه پایدار، رشد اقتصادی و رفاه شهروندان به کار گرفته می شوند، البته که در ایران سالهاست حکمرانی وارونه ای را در این زمینه شاهد هستیم به این گونه که این اقتصاد بوده که پادویی سیاست را کرده است و از جیب اقتصاد و ثروت ملی خرج سیاست شده است . در این نوشتار سعی می کنیم با توجه به تعریفی علمی و منطقی از سیاست و اقتصاد و

خودکفایی در تولید گندم و ناترازی های منابع آبی و محیط زیستی:

در بخش اول سعی ما بر این است با مقایسه تطبیقی تولید گندم در کشورهای چین، هند، روسیه، اکراین و مصر و ایران از منظر سطح زیر کشت، میزان تولید، متوسط بارش سالیانه، بهره وری آبی در تولید گندم و رشد تولید بین سالهای ۲۰۰۳ تا ۲۰۲۳ را بررسی کنیم.

ادامه در صفحه ۲

ادامه یادداشت اول

روز خواجه نصیر الدین طوسی

بگونه ای که آرامش، محبت، صبوری و ... را به عابران القا کنند چقدر دلنشین است، بر همین اساس نیز حمل و نقل شهری، تابلوهای تبلیغاتی، پوسترها، رنگ اتوبوس ها و نیز در خدمت آرامش و احترام به مخاطبان پیش بینی شده باشد. این چنین شهری را می توان نمره اندیشه مهندسان دانایی دانست که مبتنی بر علوم انسانی دانش خود را به روز کرده اند و می توانند بر زندگی روز و شب ما تاثیر مثبتی بگذارند و آنها را می توان ادامه خواجه بزرگ ایران زمین نصیر الدین طوسی نامید. از منظری دیگر میدانیم که شهروندان دنیای مدرن به دلایل مختلف در خانه هایی کوچکتر از حد معیار زندگی می کنند. طراحی این منازل یکی از آزمونهای دانش مهندسی در جامعه امروز ایران است، چشم اندازها، رفت و آمد هوا، توجه به آرامش بخشی درون منزل و طراحی نشیمن، اطاق های خواب و دهها معیار دیگری که نیازمند مهندسی بر اساس دانش نوین است نشانگر آن است که شهروندان دنیای امروز را از دانش مهندسی رهایی نیست و نمی توانند بدون توجه به معیارهای علمی زندگی آرامی داشته باشند به این خاطر لازم است مهندسان گرمی در روش ها و برنامه هایشان مبتنی بر شهروند محوری بازخوانی دوباره ای داشته باشند. بدون شک در دنیای امروز تنها مهندسانی می توانند از عهده مسوولیت سنگین خود بر آیند که فناوری و دانش تجربی خود را بر اساس مبانی علوم انسانی و حفظ جایگاه انسان سامان داده باشند و الا چنانچه بدون درک درست از آموزه های علوم انسانی بدنبال ارتقا دانش مهندسی باشند ره بجایی نخواهند برد. امیدواری به اینکه جامعه مهندسین مبتنی بر علوم انسانی و تخصص حرفه ای خود شهرها و محلاتی منسجم، با نظمی درونی و با توجه به ویژگی هایی محیط زیستی به شهروندان هدیه دهند دور از دسترس نیست.



خبر

ضریب نفوذ بیمه ۲.۷ درصد است

مدیرعامل بیمه‌ی گلستان ضریب نفوذ بیمه در کشور را ۲.۱۴ درصد اعلام کرد و گفت: این شاخص در استان گلستان ۲.۷ و نیازمند فرهنگ سازی بیشتر برای فعالیت در این بخش است. به گزارش روابط عمومی، محمد کاهلی در همایش بیستمین سالروز تأسیس شرکت بیمه‌ی با حضور خانواده شهدا و جانبازان گلستان اظهار کرد: ۷۰ درصد گلستانی‌ها بیمه تکمیلی درمان ندارند که یکی از دلایل آن، ناآشنایی با ظرفیت بیمه‌ها است. وی افزود: گسترش فرهنگ بیمه که منجر به افزایش ضریب نفوذ خواهد شد و آسایش و آرامش جامعه را به همراه خواهد داشت با محصولات نوین تحقق پیدا خواهد کرد. مدیرعامل بیمه‌ی گلستان ادامه داد: یکی از خدمات این بیمه، ویزیت از راه دور بیمه شدگان درمان است که این طرح در مرحله اول برای جانبازان بالای ۷۰ درصد و والدین شهدا راه‌اندازی شد. وی، تأکید کرد: حق بیمه صنعت بیمه گلستان در سال گذشته ۴۰ هزار میلیارد ریال بوده که هشت درصد آن سهم بیمه‌ی دی بود، همچنین حق بیمه صنعت بیمه استان امسال به ۶۰ هزار میلیارد ریال می‌رسد و از این تعداد ۹ درصد سهم بیمه‌ی دی خواهد بود.

ادامه تیتراول

چین به عنوان بزرگترین تولید کننده و مصرف کننده گندم در جهان در سال ۲۰۲۳ بالغ بر ۱۳۷ میلیون تن گندم تولید کرد، در حالیکه تولید گندم این کشور در سال ۲۰۲۳، هشتاد و شش میلیون و ۵۰۰ هزار تن بوده است و البته رشد تولید گندم در طی این ۲۰ سال به صورت مستمر در این کشور ادامه یافته است. البته دلایل این موفقیت را علاوه بر میانگین بارش سالانه ۱۵۰۰ میلی متری باید در استفاده از تکنولوژی های نوین در بخش کشاورزی و بهره گیری از ماشین آلات مدرن دانست. نمونه دیگر هندوستان است، ۳۴ میلیون هکتار را به کشت گندم اختصاص داده است با متوسط بارش سالیانه بالای ۱۲۰۰ میلی متر حدودا ۱۱۰ میلیون تن گندم در سال ۲۰۲۳ تولید کرده است، که این تولید در سال ۲۰۲۳ فقط ۶۵ میلیون تن بوده است و متوسط عملکرد بالاتر از ۳ تن را ثبت کرده است. در عین حال در این بازه ۲۰ ساله با نرخ رشد موثر و بالا افزایش تولید بیشتر از ۷۰ درصدی را رقم زده است. در روسیه تولید گندم علیرغم جنگ اکرانین آسیب چندانی ندید هر چند در تجارت و فروش به شدت تحت فشار و تاثیر جنگ قرار گرفتند، اما این کشور توانست در سال ۲۰۲۳ بیش از ۹۰ میلیون تن گندم تولید کند، در حالی که در سال ۲۰۲۳ این میزان فقط ۳۴.۱ میلیون تن بوده است، متوسط بارش ۷۰۰ میلی متری شرایط مناسبی را برای تولید این میزان گندم از ۱۷ میلیون هکتار سطح زیر کشت ایجاد کرده است و میانگین عملکرد بالاتر از ۵ تن و ۲۰۰ کیلوگرم مویدهمین موضوع است. تولید و عملکرد بالا در هکتار باعث می شود بالاتری را در بازار جهانی رقم یی زند. در اکرانین نیز که طی چند سال گذشته درگیر جنگ بوده است، تولید گندم از ۴ میلیون ۱۰۰ هزار هکتار سطح زیر کشت عدلی بالاتر از ۲۲ میلیون تن را ثبت کرده است که نسبت به سال پیش از جنگ فقط ۳ میلیون تن کاهش را در پی داشته است، و با رکورد ۲۸ میلیون تنی تولید در سال ۲۰۱۹ فقط ۶ میلیون تن فاصله دارد فاصله ای که همه تولید این کشور در سال ۲۰۲۳ بوده است. افزایش عملکرد حاصل از میانگین بارش بین ۴۰۰ تا ۱۲۰۰ میلی متر، ارتباط تکنولوژیک و تجاری گسترده با غرب بهره وری تولید را افزایش داد و سودآوری کشت گندم موجب تشویق کشاورزان به افزایش سطح زیرکشت و استفاده از فناوری های نوین و در نهایت افزایش تولید شد که میانگین عملکرد این محصول استراتژیک در اکرانین به بالاتر از ۵ تن رسید و طی ۲۰ سال اکرانین به یکی از بزرگترین تولید کنندگان و صادرکنندگان گندم در دنیا تبدیل شد. در مصر بارش متوسط سالیانه فقط ۲۵ میلی متر است و با حدود ۱ میلیون ۴۰۰ هزار هکتار گندم آبی که عملا با استفاده از آبهای سطحی رود نیل کشت می شود یکی از بهترین عملکردهای دنیا را رقم میزند و در سال ۲۰۲۳، توانست ۹ میلیون تن گندم تولید کند که هرچند یکی از بهترین عملکردهای ۲۰ سال اخیرشان بود اما با میانگین ۲۰ ساله ۸ تا ۸.۵ میلیون تنی تفاوت چندانی نداشت که نشان از وجود سقف تولید گندم در مصر با توجه به محدودیت های سرمایه گذاری، تکنولوژیک و بارش ها و سطح زیر کشت و ... در مصر دارد. این در حالیست که در ایران با ۶ میلیون ۲۰۰ هزار هکتار سطح زیر کشت، تولید کشور ۱۴ میلیون تن بوده است و در سال ۲۰۲۳ نیز عدد ۱۳ میلیون و ۴۰۰ هزار تنی را نشان می دهد و متوسط تولید ۲۰ ساله نیز ۱۱ میلیون و ۷۰۰ هزار تن را نشان می دهد. میانگین عملکرد ۲ تن و ۲۰۰ کیلوگرمی یکی از پایین ترین عملکردهای ۲۰ کشور اول تولید کننده گندم در ایران اتفاق می افتد که باعث می شود قیمت تمام شده گندم در ایران بسیار بالا باشد. این در حالیست که بیش از ۲ میلیون و ۲۰۰ هزار هکتار از سطح کشت بالای ۶ میلیون هکتاری آبی و مابقی دیم است. بررسی دقیق تر آمار و ارقام بالا نتایج قابل توجهی را نشان می دهد، که مهمترین آن بعد از میانگین عملکرد پایین، این است که در ایران در قیاس با هند، چین، اکرانین و روسیه افزایش تولید چندانی در ۲۰ سال گذشته نشان نمی دهد. شاید دلایلی را باید

در کاهش بارندگی ها، عدم ورود تکنولوژی به کشور، عدم استفاده از ماشین آلات کشاورزی مدرن و ... جست. به این خاطر میانگین عملکرد پایین، قیمت تمام شده بالایی را به دنبال داشته است و دولتها سعی کرده اند تا همین چند سال پیش با اعطای یارانه به نهاده های کشاورزی از قبیل سم و کود و بذر و... تولید گندم در کشور را سرپا نگه دارند اما با افزایش شدت تحریم ها و کمبود منابع ارزی، قیمت نهاده ها یک به یک آزاد شد و قیمت تمام شده هر کیلوگرم افزایش یافت. از دیگر سو بهره وری پایین آب در تولید گندم در ایران نیز از دیگر چالش های پیش روی سیاست خودکفایی گندم در کشور است، در حالیکه کشورهای پیشرو در تولید گندم به ازای مصرف هر ۱ مترمکعب آب ۱ کیلو و ۴۰۰ گرم گندم تولید می کنند. این رقم در ایران فقط ۹۰۰ گرم است، به عبارت دیگر در ایران نسبت به کشورهای پیشرو تولید گندم ۵۰ درصد بهره وری آبی پایین تری را داریم. درک این عدد زمانی مهم تر به نظر می رسد که بدانیم در اکثر کشورهای پیشرو در تولید گندم بارش متوسط سالیانه بالای ۷۰۰ میلی متر است و در ایران متوسط بارش فقط ۲۳۰ میلی متر داریم و برای تولید ۸ تا ۱۰ میلیون تن از تولید سالیانه گندم عملتا از منابع آبی زیرزمینی استفاده می کنیم، چه آنکه افزایش چند برابری چاه های آب کشاورزی از سال ۵۷ تاکنون سطح زیر کشت گندم آبی در کشور هم ۲۵ درصد یعنی ۳۰۰ تا ۴۰۰ هزار هکتار افزایش یافته است این یعنی افزایش بی رویه برداشت از سفره های آب زیرزمینی برای کشت گندم که عملتا بصورت رایگان صورت می گیرد آن هم اکثرا با شیوه های سنتی آبیاری و تبخیر و هدر رفت بالای آب!! در عین حال متوسط بارش ها در چهار دهه گذشته نیز کاهش ۶۰ درصدی را نشان می دهد، و کشور در اکثر استان ها حتی در استان های شمالی مثل گلستان و مازندران با تنش آبی شدید و بسیار شدید رو به روست. به لحاظ مصرف منابع آبی با توجه به اعداد و ارقام بالا به نظر می رسد با توجه به روند فعلی تولید و محدودیت های استفاده از فناوری های نوین در بخش کشاورزی، عدم توان سرمایه گذاری مناسب و پایدار در روش های نوین آبیاری، کوچک شدن اراضی کشاورزی و عدم توجه سرمایه گذاری برای افزایش تولید، کشت این محصول به خصوص در ۲ میلیون ۳۰۰ هزار هکتار گندم آبی خیلی مقرون به صرفه نباشد، و ادامه اصرار بر کشت این محصول با روند فعلی و فشار بر منابع آبی و خاکی کشور تهدیدیهایی همچون فرونشست زمین، فرسایش خاک، پدیده ریزگردها و ... را تشدید خواهد کرد، مگر آنکه در شرایط تنش آبی حاکم بر کشور که برون رفت از آن در اولویت اهداف ملی قرار دارد ارتقاء بهره وری آب در بخش کشاورزی که عمده ترین مصرف کننده منابع آبی در کشور است از الزامات ادامه روند فعلی است، که علاوه بر اصلاح برخی سیاست ها با احتیاج به سرمایه گذاری های هتگفتی دارد که با توجه به محدودیت های منابع مالی و بودجه عمرانی در کشور در شرایط تحریم و عدم سرمایه گذاری خارجی امکان پذیر به نظر نمی رسد.

قیمت گذاری گندم در سایه سیاست خودکفایی

دولت در ایران بزرگترین خریدار گندم تولیدی کشور است و سال هاست سعی می کند با تعیین قیمت خرید تضمینی، سیاست های تشویقی حمایتی را برای کشاورزان اعمال کند. این در حالیست که قیمت متغیر گندم در بازارهای جهانی، افزایش سالانه و بعضا افسار گسیخته قیمت ارز در کشور و متعاقبا افزایش قیمت نهاده های کشاورزی ناشی از علل مختلف از جمله حذف ارز ترجیحی برای واردات کود و سم و بذر و ... سالانه کشاورز و دولت را دچار مشکلات عدیده می کند، به طوری که سال زراعی گذشته با وجود قیمت ۱۷.۵۰۰ تومانی برای گندم نه کشاورزان راضی بودند نه دولت و هر دو معتقد بودند متضرر شده اند. دولت بیش از ۱۲ میلیون و ۵۰۰ هزار تن گندم کشاورزان را با قیمت ۱۷.۵۰۰ تومان در حالی خرید که، قیمت جهانی گندم در کشورهای مختلف هر تن بین ۲۲۵ الی ۲۹۵ دلار بود که با احتساب دلار آزاد حتی ۵۵ هزار تومانی می توانست گندم با مرغوبیت بالاتر را مثلا از روسیه با قیمت ۱۲ هزار تومان خریداری و وارد کند، معتقد است گندم را با هر کیلو ۵ هزار ۵۰۰ تومان گرانتر نسبت به قیمت جهانی از کشاورزان خریداری کرده است، در سوی دیگر کشاورزان هم معتقدند با توجه به افزایش چند برابری قیمت سم و کمبود و گرانی شدید کود و افزایش اجاره بهای زمین کشاورزی و ... قیمت



۱۷.۵۰۰ تومان را کافی نمی دانستند و کشت گندم را مقرون به صرفه نمی دانستند. چه آنکه مبلغ گندم تحویلی به دولت را هم با ۴ تا ۶ ماه تاخیر دریافت می کنند. البته که دولت بیش از ۲۲۰ هزار میلیارد تومان برای تامین بودجه خرید گندم را معلوم نیست در نهایت از کجا و از چه محلی بالاخره تامین کرد ؟ همین میزان گندم را دولت می توانست با ۱۵۰ هزار میلیارد تومان با مرغوبیت بالاتر وارد کند و در واقع دولت بیش از ۷۰ هزار میلیارد تومان یارانه برای خرید گندم پرداخت کرده است. در ادامه نیز خوش بینانه اگر فرض کنیم هر کیلوگرم گندم ۱۷۵۰۰ تومانی با هزینه ی حمل و نقل و فرآوری و بسته بندی و کارگر و اجاره و ... به آرزی با ۲۰ هزار تومان هزینه تمام شده در هر کیلوگرم منجر شود و هر کیلوگرم آرد را فقط ۲ قرص نان در نظر بگیریم، هر قرص نان ۱۰ هزار تومان برای دولت تمام شده است. نکته تلخ تر ماجرا آنجاست که در سال ۱۴۰۲-۱۴۰۳ که دولت استان به استان قیمت نان را بین ۲۰ تا ۳۰ درصد افزایش داد، با وجود این برای هر قرص نان بربری دولت به طور میانگین ۷ هزار تومان یارانه پرداخت می کند. سرانه نان مصرفی در کشور بین ۱۱۷ تا ۱۶۱ کیلوگرم تخمین زده می شود، برخی منابع نیز آن را ۱۵۰ کیلوگرم برآورد می کنند که با افزایش ضریب فلاکت مردم این مصرف در حال افزایش است و یکی از بالاترین سرانه های مصرف نان در دنیا محسوب می شود. اگر فرض بگیریم هر ایرانی به طور متوسط سالانه ۱۵۰ کیلوگرم نان مصرف می کند با یک حساب سرانگشتی ۸۵ میلیون ایرانی به ازای هر کیلوگرم نان ۱۴ هزار تومان یارانه غیر مستقیم دریافت می کنند که با یک ضرب ساده مشخص می شود دولت تقریبا ۱۸۰ هزار میلیارد تومان هم برای مصرف نان در کشور یارانه غیر مستقیم در سال گذشته پرداخت کرده است. یعنی فقط در سال گذشته ۷۰ هزار میلیارد تومان یارانه خرید گندم و ۱۸۰ هزار میلیارد تومان یارانه مصرف نان جمعا ۲۵۰ هزار میلیارد تومان دولت برای نان ایرانیان یارانه پرداخت کرده است و این در حالی است که بودجه عمرانی تصویب شده کشور برای سال ۱۴۰۳ فقط ۴۰۰ هزار میلیارد تومان بود و تخصیص شاید در همین حدود یارانه نان، اتفاقی شگفت انگیز است. با این وجود کشاورز از توجیه اقتصادی کشت گندم نگران است و گله مند، مصرف کننده از مرغوبیت نان مصرفی گله مند است و دولت از فشار به منابع مالی و در اثر این میزان یارانه صحبت می کند.

نتیجه گیری:

فشارها به منابع مالی و آبی کشور فقط برای تولید گندم ناشی از رویکرد کلان حکمرانی در کشور است. یک سلسله سیاست های اشتباه که این وضعیت یغرنج محیط زیستی و مالی و بانکی را بوجود آورده است، که اتفاقا بستر فساد آمیزی هم در آن ایجاد شده است. سیاست هایی که از پانوی اقتصاد برای سیاست خارجی شروع می شود، در ادامه جبرا تامین غذا را به مثابه یک عملیات نظامی به قرارگاه های امنیت غذایی واگذار می کند و مداخله گرای دولت در قیمت و وضع تعرفه ها و ممنوعیت های واردات و صادراتی را به دنبال دارد و در نتیجه سیاست خودکفایی گندم نه بهره وری تولید را به دنبال دارد، نه ثروت ساز است و نه رضایتمندی تولید کننده و مصرف کننده را به همراه دارد و نه در خدمت توسعه پایدار کشور قرار می گیرد و به قول معروف باید گفت حاجی احرام دگر بند ببین راه کجاست.

دانش آموخته سیاست

توتون گلستان؛

صنعتی که هویت طبیعت را حفظ می کند



نیروهای مروج و روزمزد صنعت دخانیات نیز در این جلسه مطرح شد. نماینده مردم شرق گلستان تأکید کرد که کمبودهای موجود در ساختار کاری و حقوقی این نیروها باید به طور فوری بررسی و حل شود. وی همچنین بر لزوم رسیدگی به نیازهای این کارگران و تأمین حقوق و تسهیلات لازم برای آنها تأکید کرد. حسینی، در ادامه به حمایت از کشاورزان و فعالان حوزه دخانیات اشاره کرد و خواستار تسریع در پرداخت مطالبات باقیمانده و بهبود شرایط کاری و اقتصادی این گروه شد. وی تأکید کرد: کشاورزان منطقه نقش محوری در توسعه اقتصادی و اجتماعی استان گلستان دارند و تاخیر در پرداخت حقوق آنها می تواند به عقب نشینی این بخش حیاتی منجر شود. با توجه به اهمیت صنعت توتون در اقتصاد استان گلستان، حمایت بیشتر از توتون کاران و کشاورزان این منطقه، علاوه بر تضمین حقوق آنها، به تقویت این صنعت و افزایش بهره‌وری آن کمک می کند. این حمایت، که شامل پرداخت مطالبات معوق، بهبود شرایط کاری نیروهای مروج و روزمزد و تأمین تجهیزات لازم برای کشت و تولید توتون است، می تواند به بهبود وضعیت اقتصادی و اجتماعی منطقه منجر شود. استان گلستان با ظرفیت های کشاورزی بی نظیر خود، دارای پتانسیل بالایی برای تبدیل شدن به یکی از بزرگ ترین تولیدکنندگان توتون در منطقه است. اما این هدف تنها با همکاری تمامی سطوح قابل دستیابی است. برطرف کردن چالش های موجود و حمایت از توتون کاران، مانند آهنگی شیرین، به توسعه پایدار این صنعت و حفظ ارزش اضافه ایجاد شده در این بخش کمک خواهد کرد زیرا هر برگ توتون، داستانی از عشق و زندگی است که در دشت های گلستان، به صورت جاودانی سراییده شده. و این گونه است که پنبه، این سیببلی بی همتا، نه تنها گرمابخش تن هاست، بلکه گرمابخش قلب ها نیز هست. هر تار نورش، روایتی از عشق و زحمت را در خود جای داده، و هر برگ سبزش، یادآور رؤیاهایی است که در دل خاک جوانه می زنند. پنبه، نمادی است از زندگی، از تلاش بی وقفه ی دستانی که با عشق می کارند و با امید برداشت می کنند. در میان دشت های بی کران، جایی که آسمان و زمین به هم می رسند، پنبه ها همچون پیام آوران آرامش و زیبایی، قصه ی جاودان عشق و طبیعت را زمزمه می کنند و این قصه، هرگز پایان نمی یابد؛ چرا که با هر بارندگی، با هر نسیم و با هر دستی که آن را لمس می کند، دوباره زنده می شود و به پیش می رود... تا ابد.

به ویژه در شرق استان، سال هاست با فعالیت در زمینه کشت و تولید توتون نقش عمده ای در حمایت از اقتصاد محلی و صنعت دخانیات کشور ایفا می کنند. با وجود این نقش انکارناپذیر، چالش های مالی و عملیاتی موجود در این بخش، همواره موضوعی نگران کننده برای توتون کاران و مسوولان است که در چنین شرایطی، حمایت بیشتر از این گروه، علاوه بر تضمین حقوق آنها، به توسعه پایدار این صنعت کمک می کند. سیدنجیب حسینی، نماینده مردم شرق استان گلستان در مجلس شورای اسلامی در این راستا در دیدار با مدیرعامل شرکت دخانیات کشور، به بررسی و حل مشکلات توتون کاران منطقه پرداخت. این جلسه که در قالب یک نشست رسمی برگزار شد، به بحث و تحلیل مسائل مختلف اقتصادی، حقوقی و اجتماعی کشاورزان و نیروهای مرتبط با صنعت دخانیات اختصاص یافت. یکی از مهمترین تصمیمات این نشست، تعیین برنامه ریزی برای پرداخت بخشی از مطالبات توتون کاران شرق استان گلستان بود. طبق آنچه در این جلسه مقرر شد، از مجموع ۲۰۰ میلیارد ریال مطالبات موجود، در مرحله اول ۸۰ میلیارد ریال به زودی به توتون کاران منطقه پرداخت خواهد شد. این اقدام به عنوان گامی اساسی برای کاهش فشار مالی کشاورزان و تسهیل وضعیت اقتصادی آنها در نظر گرفته شده است. علاوه بر پرداخت مطالبات، موضوع بی توجهی به

همکاری دولت، نهادهای مرتبط و جامعه محلی ضروری است تا کشاورزی پایدار و زندگی در دشت های گلستان نه تنها ادامه یابد، بلکه شکوفاتر شود. این تلاش ها می توانند آینده ای روشن را برای نسل های بعدی تضمین کنند. در نهایت، هر برگ توتون، داستانی از عشق و زندگی است که در دشت های گلستان، همچنان به صورت جاودانی سراییده شده. هر برگ توتون، گویی یادداشتی از زندگی کشاورزان است که با دستان گرم و قلب های شوقمند، دانه های آینده را به رویش می رسانند. این گیاه، که تنها یک محصول کشاورزی به نظر نمی رسد، بلکه داستانی از پیوند عمیق بین انسان و طبیعت است. در دشت های گلستان، توتون بیشتر از یک گیاه، یک سنت و فرهنگ است که از نسل به نسل منتقل شده و در هر فصل، با حضور خود، امید و آرزوی جدیدی را در دل کشاورزان باریده. توتون در گلستان بیشتر از یک محصول اقتصادی، یک نماد فرهنگی و تاریخی است. این گیاه، با وجود شرایط مناسب اقلیمی و خاکی منطقه، به عنوان یکی از مهم ترین منابع درآمد کشاورزان شناخته می شود. هر برگ توتون که از دست کشاورزان به صندوق های تحویلی رسیده، گویی یادداشتی از تلاش های سالانه آنهاست. استان گلستان، با داشتن ظرفیت مناسب برای کشت توتون، به عنوان یکی از مهم ترین مناطق تولیدکننده این محصول در کشور شناخته می شود و کشاورزان منطقه،

در دشت های بی کران استان گلستان، جایی که آسمان به زمین نزدیک تر می آید و طبیعت با دست های خود زندگی را بر روی خاک سرخ رنگ می چیند، توتون نه تنها یک گیاه بلکه داستانی از عشق، زحمت و امید است. همانطور که پنبه ها با سیببلی شان هوای دشت را شیرین می کنند، توتون نیز با عطری خاص و رنگ هایی متمایز، داستانی از زندگی و مقاومت در این زمین ها می سراید. به گزارش ایرنا، هر فصل، هر برگ، هر دست کشاورزی که به زمین می نهد، یادداشتی از زندگی است. در شهرستان های شرقی مثل گرگان و آزادشهر، توتون بیشتر از یک محصول، یک سنت و فرهنگ است. این گیاه کوچک، با وجود شرایط مناسب اقلیمی و خاکی منطقه، به عنوان پیوندی بین گذشته و آینده کشاورزان، داستانی از مقاومت و حس زندگی می سراید. اما این داستان هموار نبوده است. کشاورزان توتون کار در مسیر تحقق این آرزوی سبز، با چالش های متعددی روبرو شده اند. تسهیلات مالی کافی در اختیار ندارند، تجهیزاتشان قدیمی است و حتی قیمت محصولی که پس از ماه ها تلاش تحویل می دهند، نامشخص و ناپایدار است. هر چالشی که بر دوش آن ها سنگینی کرده، روایت زندگی شان را تیره تر ساخته، اما با این وجود، پس از هر زمستان سخت، آن ها با صبر و امید دوباره به زمین بازگشته اند تا داستان مقاومت و عشق خود را ادامه دهند. همین طور، آلودگی خاک و استفاده بی رویه از مواد شیمیایی، داستانی جدید را رقم زده است؛ داستانی که نیاز به کشاورزی سبز و پایدار را فریاد می زند. کشاورزان گلستان به خوبی آگاهند که زمین هایشان را نه تنها برای امروز، بلکه برای فردا نیز باید حفظ کنند. آن ها می دانند که سلامت خاک و محیط زیست، میراثی است که باید برای نسل های آینده باقی بماند. بنابراین، تلاش می کنند تا با روش های نوین و سازگار با طبیعت، راهی برای کشاورزی پایدار بیابند و داستان زندگی را در دشت های گلستان ادامه دهند. وقتی باد نرمی بر دشت می وزد و برگ های توتون با هم می چرخند، چشم اندازی از زندگی پدید می آید. این دشت ها، جایی است که طبیعت و انسان با هم داستان می سرایند؛ داستانی از عشق به زمین، به آینده و به زندگی. اما این داستان، نیازمند ادامه است. حمایت های بیشتر، تسهیلات مالی مناسب، تجهیزات پیشرفته و توجه جلی به محیط زیست، تنها راه هایی هستند که می توانند این روایت را جاودانه کنند. بدون این عناصر، داستان مقاومت و عشق کشاورزان گلستان ممکن است به تدریج کمرنگ شود. برای حفظ این میراث سبز،

صادرات کالاهای غیرنفتی از مبادی گمرکی گلستان در ۱۱ ماه گذشته ۲۸ کشور آسیایی، اروپایی و آفریقایی شامل ترکمنستان، قزاقستان، عراق، ازبکستان، پاکستان، افغانستان، ارمنستان، روسیه، بلغارستان، ویتنام، رومانی، قرقیزستان، گرجستان، ترکیه، ایتالیا، تاجیکستان، آذربایجان، قطر، امارات، هند، صربستان، عمان، بحرین، کویت، کامبوج، لیتوانی، بوسنی هرزگوین و موزامبیک بوده است. شهریار ی اضافه کرد: ترکمنستان با بیش از ۱۴۳ میلیون و ۳۹۸ هزار دلار معادل ۳۴.۴۹ درصد کل صادرات و قزاقستان با ۱۳۳ میلیون و ۲۹۱ هزار دلار معادل ۳۲.۰۶ درصد کل صادرات به ترتیب مقصد بیشترین صادرات غیرنفتی از مبادی گمرکی گلستان بودند. مدیرکل گمرکات گلستان ادامه داد: پسته خندان، ید، پنبه، انواع لوله و پروفیل جوش داده شده با آهن، انواع میله های آهنی، پسته فندق، پلی استایرن، خوراک آماده آبزیان، پلی اتیلن ویژه روکش سیم و کابل و طاقه نایلون» ۱۰ کالای نخست صادراتی از مبادی گمرکی این استان در ۱۱ ماه گذشته امسال بوده است.

صادرات گلستان از ۴۱۵ میلیون دلار فراتر رفت

غزاله صیدانلو- مدیرکل گمرکات گلستان از صادرات افزون بر ۶۴۳ هزار و ۲۲۴ تن انواع کالای غیرنفتی از مبادی گمرکی این استان شمالی در ۱۱ ماه گذشته خبر داد و گفت: ارزش صادرات این مقدار کالا ۴۱۵ میلیون و ۷۲۱ هزار و ۴۲۸ دلار بوده است. شهریار شهریار ی اظهار کرد: صادرات این مقدار کالای غیرنفتی از لحاظ وزنی ۳۱ درصد و به لحاظ ارزش دلاری ۴۵ درصد نسبت به مدت مشابه سال قبل رشد داشته است. وی افزود: مقصد

بیش از ۸۱ هزار نفر زندگی می کنند که این حجم جمعیت که معادل چند شهر کوچک است ضرورت شتاب دادن به اجرای برنامه های توانمندسازی را بیشتر کرده است. وی بیان کرد: از این ۹ محله، هفت محله در گرگان و ۲ محله در گنبد قرار دارد که در دستور کار طرح تحول و توانمندسازی محلات کم برخوردار موسوم به ۲۰۲۰ است. سرپرست معاونت سیاسی امنیتی و اجتماعی استانداری گلستان افزود: هلال احمر گلستان در کنار دیگر دستگاه ها، خدمت رسانی و توانمند سازی هفت محله را به عهده دارد که برای اصلاح و توانمندسازی محلات باید بر روی ارکان محله ها مانند مساجد، مدارس، معتمدین محل، امام جماعات تمرکز شود و از توان خود آنها استفاده کرد. حمیدلی ادامه داد: همه اقدامات باید با همراهی و هماهنگی مسئولان محلی و با همپوشانی سایر دستگاه ها انجام شود تا نتیجه بهتری بدست آید. وی گفت: فعالیت هلال احمر در زمینه آسیب های اجتماعی، بخش دیگری از فلسفه وجودی این سازمان است که بسیار مهم و ارزشمند است.

۴۶ محله کم برخوردار نیازمند توانمندسازی است

سرپرست معاونت سیاسی امنیتی و اجتماعی استانداری گلستان گفت: از مجموع ۴۶ محله کم برخوردار ثبت شده استان در سازمان اجتماعی کشور، شرایط ۹ محله بحرانی و نیازمند مداخله برای اجرای طرح های تحول و توانمندسازی است. به گزارش روابط عمومی، محمد حمیدلی در مراسم گردهمایی ارکان محلات و اعضای تیم های پیشگامان پیشرفت ذیل طرح تحول و توانمندسازی اجتماع محور محلات کم برخوردار ۲۰۲۰ اظهار کرد: در این ۹ محله

پنالتی اشتباه



علی درزی- دبیر صفحه

این پسماندها، پسماندهای اتمی سینمای ماست. "علت مرگ: نامعلوم" ساخته علی زرنگار است. علی زرنگار را، در عالم سینما می‌توان به واسطه فیلمنامه‌نویسی مشترک با "وحید جلیلود" در "چهارشنبه ۱۹ اردیبهشت"، "بدون تاریخ، بدون امضا" و فیلم "مغز استخوان" شناخت. او چند فیلم کوتاه و نمایشنامه هم در کارنامه خود دارد. علت مرگ: نامعلوم، اولین فیلم بلند زرنگار محسوب می‌شود. برای فیلمنامه‌نویس‌ها همیشه یکی دو تا ایده‌ی زیرخاکی هست که برای خودش نگه می‌دارد. شاید خیلی از فیلمنامه‌نویسان سودا یا رویای کارگردانی نداشته باشند ولی، با تمام این تفاسیر ایده‌ها و فیلمنامه‌هایی هستند که فقط در ذهن خودشان می‌تواند ساخته شود. زرنگار با ساختن فیلم کوتاه‌هایش نشان داد که سودای کارگردانی دارد، یقیناً با آزمون و خطا و کسب تجربه در فیلمنامه‌نویسی‌هایش، پروژه علت مرگ: نامعلوم را برای اولین کار بلندش برگزید. این فیلمنامه مقبول اداره ارشاد واقع شد و پروانه ساخت برایش صادر شد. فیلم هم ساخته شد و در جشنواره فجر ۱۴۰۰ به نمایش در آمد. فیلم به دلیل عدم پروانه نمایش از بخش رقابتی کنار گذاشته شد. مگر خود ارشاد پروانه ساخت را ن داده بود؟ مگر ارشاد فیلمنامه را تایید نکرده بود؟ پس چطور پروانه نمایش ندادند؟ چطور فیلمی که مورد توجه بیشتر داوران بود، ناگهان از دوری کنار گذاشته می‌شود؟ چرا؟ چرا؟ ... طبق مصاحبه خود علی زرنگار در برنامه "خط فرضی" چند دلیل بیان شد.

چون ایران را کویر نشان دادی. چون اولین دوره ریاست جمهوری دولت جلید است و ما نمی‌خواهیم چنین تصویری از ایران به مردم نشان داده شود. همه این توضیحات برای فیلمی داده شده بود که پروانه ساخت صادر شده بود، فیلمنامه تایید شده بود، سرمایه‌گذار خصوصی سرمایه‌گذاری کرده بود، فیلم با شرط اینکه بتواند به بخش مسابقه جشنواره فجر راه پیدا کند، توانسته بود نظر سرمایه‌گذاران خصوصی را جلب کند تا به واسطه آن‌ها بخش اعظمی از سرمایه‌هایش را برگرداند. ولی چه اتفاقی افتاد؟ فیلمی که مورد تمجید داوران بود، ناگهان از بخش مسابقه خارج شد! آنچه شما در این نقد می‌خوانید یک خبر ساده از توقیف یک فیلم است. ولی ... ولی آیا می‌دانید از مرحله ایده تا نوشتن، فیلمنامه‌نویس می‌بایست چه سفر ادیسه‌واری را طی کند؟ آیا می‌دانید جمع کردن عوامل خودش چه هفت خوانی دارد؟ آیا به عنوان خواننده می‌توانید خودتان را بگذارید جای سازندگان اثر و عشق و علاقه و وقت و هزینه‌های صرف شده برای این کار را درک کنید؟ اگر موفق به جایگذاری شدید، حالا با این توجیه مسئول آن زمان می‌توانید کنار بیایید؟

فکر کنید مسئولی بعدها برای دلاری شما بابت راه نیافتن به بخش مسابقه و عدم پروانه نمایش بگوید: شما فکر کنید ما یک پنالتی گرفتیم که چند سال بعد می‌تواند مشخص شود اشتباه بوده، مسئولین محترم همین اندازه توانایی استفاده از جملات قصار را دارند!

به همین سادگی دولتی در آغاز کارش نمی‌خواهد ایران را کویر نشان بدهد و دولتی دیگر در آغاز کارش با کویر نشان دادن ایران می‌خواهد خودش را نشان بدهد. حالا مگر چه شده؟ هیچی! فیلمی بعد از سه سال مانند تکه‌ای پسمانده نشان داده شد. اتفاقی که در فجر امسال هم برای فیلم قاتل وحشی افتاد، اتفاقی که چهار سال است برای این فیلم افتاده. چهار سال است فیلم به جشنواره می‌رود و منتقدین آن را می‌بینند، به‌به و چه‌چه می‌کنند ولی پروانه نمایش و اجازه اکران برای عموم صادر نمی‌شود. اگر اجازه اکران داده نمی‌شود، چرا باید منتقدین آن را ببینند؟ آن‌ها محرمند و ما نامحرم؟ اگر قرار نیست نظر منتقدین به حساب نیاید، چرا برایشان به نمایش می‌گذارند؟ یا فیلم پیر پسر، منتقدین انگار فقط بلنددل ما مخاطبان را داغ کنند، بروند ببینند و بگویند، فیلمی در حد جهانی و بازی فوق‌العاده حسن پورشیرازی و ... چه‌ها که نمی‌گویند و از آخر می‌گویند حیف که قرار نیست اکران شود! وسط این بلبشو، کلیپی از کنفرانس خبری فیلم صدام پخش شد که رضا عطاران و عباس جمشیدی‌فر کنفرانس را به سخره گرفته بودند. البته عطاران برای اینکار از کراوات استفاده کرده بود، همان چیزی که پارسال پرویز شیخ طادی در سخنرانی‌اش از آن شروع کرد و به شال رسیده بود. نمی‌گویم با آگاهی این کار توسط عطاران اتفاق افتاده ولی رفتار بازیگر با



سابقه کشور ما یک خبر را در افهان تلاعی می‌کند: اینجا سیرک است و ما، دلقکان بی‌اختیار آن.

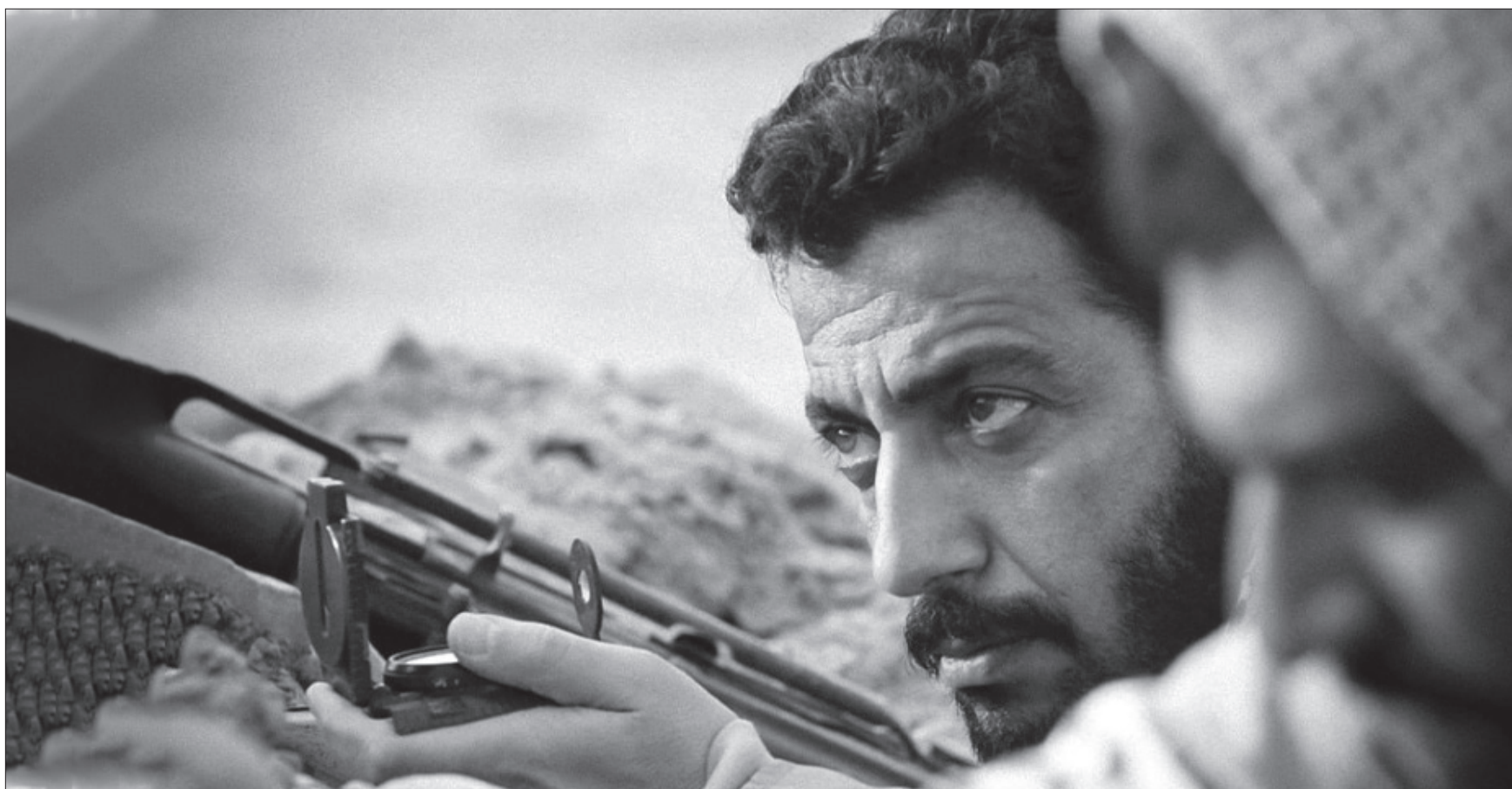
علت مرگ: نامعلوم

یکی از قابلیت‌های مهم هنر و علی‌الخصوص سینما به وجود آوردن موقعیت و شخصیت‌هایی است که بشود آن‌ها را به واحدهای بزرگتر تعمیم داد. تعمیم یک موضوع است و به خود گرفتن یک موضوع دیگر! مثل معروف را شنیده‌اید که می‌گویند: تعمیم کویر به کشور (دشنام) را بندها وسط، صاحبش (سانسورچی) خودش برمی‌داره؟!

چرا باید مسئول مربوطه، کویر فیلم را به خود بگیرد؟ (البته این‌ها دیگر برای ما چیز عجیبی نیست، همه‌مان مسافران بیضایی و آینه و آیین خانوادگی آقای بیضایی را به خاطر داریم) اصلاً مگر ایران کویر نیست؟ مگر هنرمند وظیفه‌ای جز نشان دادن دارد؟

جواز حذف کردن به این سادگی و تا این حد وقیحانه پاسخ‌گو بودن را چه کسی صادر می‌کند؟ اگر مورد انتقاد واقع شدیم نباید یک درصد فکر کنیم شاید منتقد حق داشته باشد؟

علت مرگ: نامعلوم، ایران بدبخت را نشان نمی‌دهد بلکه، روند برخورد اخلاقی در ایران را نشان می‌دهد. شخصیت‌ها هرکدام طوری نماد سازی شده‌اند و می‌توانند بریده‌ای از اجتماع اکنون ما باشند. هر یک از نمایندگان از اجتماع در فیلم، سعی می‌کنند با یک مسئله اخلاقی پیش آمده، بسته به مشکلاتشان و زیسته اجتماعی‌شان برخورد کنند. انسان‌ها در فیلم دچار چند راهی می‌شوند. چند راهی که شاه‌راهش به پول ختم می‌شود. یکی از اتفاقات جالبی که در این فیلم افتاده قیمت‌هاست. تفاوت قیمت دلار چهار سال پیش با الآن مدت زمان خیلی بیشتر از چهار سال را نشان می‌دهد. همانطور که قیمت امروز دلار با چهار ماه پیش مدت زمان بیشتری را نشان می‌دهد. فیلم علاوه بر نشان دادن مشکل جامعه یک کار مهم دیگری هم می‌کند، و آن شراکت صد در صدی مخاطب با فیلم است. پایان فیلم با مخاطب پایان می‌پذیرد. نه به معنای پایان باز یا پایان مفهومی یا ... بلکه جهان فیلم در تصمیم ما خلاصه می‌شود، نه اینکه به ما خط و مشی بدهد، خیر! خود فیلم بعد از پایان فیلم عقب می‌نشیند و ما را به تماشا می‌نشیند که، قرار است چه تصمیمی بگیریم؟ و تا مدت‌ها نظاره‌گر ما می‌ماند. یکی از کارهای بزرگی که زرنگار در اولین فیلمش انجام داده، کارگردانی بر حسب فیلمنامه بوده. به قول خودش شاید لوکیشن فیلمش در بی‌نظیرترین جای طبیعت ایران بوده ولی، چیزی جز آنچه را که می‌بایست، نشان نداد.



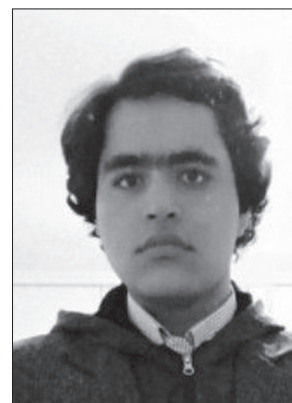
اسفند

گاف: به بهانه ی فیلم اسفند: مروری بر جشنواره فجر

نه فیلم میبینیم. فقط یا درس یا پول. یا پول برای پول. یا درس برای پول. که همین گونه فکر کنم هنر خوار میشود و جادویی ارجمند. البته که امثال فیلم اسفند، خدای جنگ، موسی کلیم الله، ناتور دشت، زیبا صدایم کن، اصلا جادو هم نیستند که بخواهند ارجمند شوند. هیچی نیستند. صدای رسای اتلاف بیت المال و پول های حرامند. خصوصا فیلم هایی که به دست سازمان های بی فرهنگی ساخته میشوند که شمشیرشان را از رو بسته اند برای فرهنگ. سازمان هایی که رو به حضیض سقوط دارند و در سرانجیبی لجن مال ته دره، در توهم بالا رفتن و اوج گرفتن، به خوشی و شادی میرسند. و فرهنگ ما را نصیب خودشان میکنند کروور-کروور. و خب همکاری هم میکنند، با فارابی. و قبلترش، با زکریای رازی. چرا که یک مردم و یک فرهنگ را... درست است، با گاف شروع میشود.

روزگار. مخاطب چرا باید وقت خودش را پای فیلمی بدهد که نه هنر دارد و نه هنرنمایی، و نه حتی لحظه-لحظه هایی برای کشف و فهم و لذت و خرق عادت و دگرگونه نمایی؟ این شما، این فیلم، این جناب کارگردان، و این نویسنده-نویسندگان، و نیز تهیه کنندگان و سرمایه گذاران. اگر بپرسید چه دارید در چنته تان، آیا میتوانند جواب بدهند بهتان؟ تازه، تازه این وضع در شرایطی است که هنر سینما روز به روز از عامه ی مردم دور و دورتر میشود و کسی نه وقت میکند برود بنشیند روی صندلی سینما، نه پولش میرسد تا بتواند پیگیر هنری باشد، چون سینما آدم گشته دین و خدا هم حالی اش نمیشود، چه برسد به هنر، که معلوم نیست دغدغه ی چندم آدم ها میتواند باشد. البته از آن سوش هم هست، کسانی که هم وقت دارند و هم پولش را، ولی افتخارشان اینست که ما نه کتاب میخوانیم و

اش در شهادت جان میدهد. برای یکی از آن مردان ایران. فیلمی به نام اسفند. بی هیچ بوی خوشی، بی هیچ خیر و برکتی. بی هیچ جزل ولزی. حتی بی هیچ بوی اسفندی. عیدی. شادی و مبارکی ای، در فرم، در هنر، در ساختار. داستان فقط درجا زدن است در پی هیچ. با دیالوگ هایی البته منطقی و خوب. اما به لحاظ پیشبرد داستان و خطوط طولی یا عرضی داستان، بی هدف. یا بهتر: عبث. فیلم چند صحنه ی خوب دارد، اما اگر بخواهم از گفته ی استادم نقل کنم، میتوانم بگویم که شاعرانی وجود داشته اند با دیوان هایی معمولی و حتی بد و رو به نشیب بلی، که گاه گاهی، در همان دیوان، بیت یا شعر خوبی هم از دستشان در رفته است و آن را سروده اند و ثبت کرده اند. اما از دیوان آنها، حتی در بین متخصصان این رشته، یعنی ادبیات، خبری نیست. خبر هست، اما به عنوان اثری که بخواهی هرروز امر جدیدی از آن کشف کنی و یا به التذاذ هنری-ادبی برسی چیزی درش نیست. تعارف که نداریم، بی مایه، فطیرست. اگر حافظ خوانده میشود و یا سعدی و یا مولانای کبیر، به خاطر همان *آن* است که در هنر ایشان ریشه دوانده است. به خاطر زمانمندی بی زمان و بی کرانشان است، برای انسانی بودنشان، الهی بودنشان، جامع بودنشان، مانع بودنشان، کامل بودنشان، برای درد و دغدغه ای است که رشته ای است نامرئی، که پیوند داده این الفاظ و ابیاتشان را، به همدیگر. بحث فیلم و سریال و کتاب هم همینست. وقتی اثری نه در زمان خودش پایبند به اصولی نیست، و حتی پایبند به اصل بی اصلی هم نیست، و کلا اصولی نمیشناسد برای خودش، وقتی حتی در زمان خودش دیده نمیشود، شنیده نمیشود، و کپی دست-چندمی است از دیگر شهیدان و دیگر فیلم هایی که در گونه ی دفاع مقدس ساخته میشوند و میشده اند، طبیعی است که بعدا هم نقشی ازش بنماند در روز و



محمد صالح فصیحی

جشنواره ی فجر، با کلی فیلم ریز و درشت، در انفجار هشتاد و خرده ای هزار نور، در بهمن ۱۴۰۳، سالن های سینمای ایران را منفجر کرد از نور و مصداقی هست و بود، بر اینکه من تشبه به قوم، فهو منهم. البته جمع نمینند من، صرفا از آنچه خودم دیده ام و آنچه شنیده ام و آنچه خوانده ام میگویم و نقل میکنم، نه کمتر و نه بیشتر. اگر هم به قول دومین برادر بزرگ پرژکتور به دست راهبرمان بخواهم حرف بزنم، باید بگویم اگر در سخنی که من میگویم، تلخی ای وجود دارد، این تلخی را بر من ببخشید، اگر معتقدید و میبینید که درش حقیقت هست. درین ولوله ی به دنبال سیمرخ، نه به راستی داستانی هست، نه راستانی، نه سانی و نه افسانه ای. در همین مسیر، گاه فیلمی ضعیف ساخته میشود، برای شخصیتی بلندبالا و مقتدر و قهرمان. برای سردار هور. برای مردی که در بیست و هفت سالگی





است، نزدیکتر میشد و پا را فراتر می گذاشت و به جهانی وسیعتر می پرداخت. با توجه به شعر مولانا که می فرماید:

هرکسی کو دور ماند از اصل خویش

باز جوید روزگار وصل خویش

پیام اصلی هنرمند اصالت است. اصالتی که در طول زمان، رنگ باخته است. اصالتی که در مدرنیسم و دنیاهای مجازی در شهرنشینی و در ظواهر دنیای مادی، به فراموشی سپرده شده است. مخاطب، بخصوص مخاطب بومی با مشاهده آثار، ناگاه وارد دنیایی می شود که در اصل از آن دنیا آمده است. تصاویر، رنگها و مفاهیم برایش آشنا و ملموسند. خود را تکه ای از این کل منسجم می بیند و گم شده اش را که ناخودآگاه در جستجویش است می یابد و از این یافتن به شگفت در آمده و به شوق و شغف درونی میرسد. سخن زیاد است اما در حوصله شاید نگنجد. پس کلام مختصر میکنم و برای عزیز هنرمندان، خانم سلیمه قزل آرزوی سلامتی شادکامی وموفقیت روز افزون دارم. دست مرزاد

هنرمند، بیشتر از رنگهای قرمز، نارنجی، زرد و قهوه ای استفاده می شد؛ اما در کارهای اخیر هنرمند ما شاهد تولد رنگهایی بسیار زنده، پویا و نو هستیم. رنگهایی مثل آبی، سبز روشن، بنفش و... اشکال و مفاهیم در این نقاشی ها برگرفته از فرهنگ سنت و روش زندگی قوم ترکمن میباشد. اشکالی مانند آلاچیق، دشت ترکمن صحرا، تکه هایی از زیورآلات زنان ترکمن مثل گل یاقا (گل سینه)، قوری و کاسه ها، اشکال قالی که بیانگر شیوه سبک و هنر ترکمن است، درها و پنجره های چوبی که در خانه های قدیمی - بخصوص در بافت تاریخی گمیشان - وجود دارد. در آثار اخیر، هنرمند علاوه بر این تصاویر که در آثار پیشین نیز وجود داشته، تصاویر جدید و نو مضاف شده است، مانند تصویری از شکل و پیچش نمد ترکمن. زن و مرد ترکمن، تصویری از کهن الگوها، درختان، قله های کوه بخصوص قله پر غرور دماوند، گلهای خانگی مثل پیچک، نمادی از امواج دریا که در بطن اثر و تا حدودی ناملموس به تصویر کشیده شده است، تقابل طبیعت و مدرنیته، همه و همه بیانگر رشد جامعه سنتی از سویی و زنگ خطری برای اصالت این قوم از سویی دیگر میباشد. ما در یک تابلو با یک مفهوم خاص مانند عشق، رویش، تولد و اصالت به تنهایی روبرو نیستیم، بلکه همه این مفاهیم در یک اثر دیده می شود. هنرمند نگاه کلی و بیرونی دارد که اگر این دنیا با دنیای درونی و تجربیات شخصی هنرمند همراه میشد، چه بسا که به زیبایی، ارزش و تاثیر گذاری آثار می افزود. خلا درونگرایی فردیت و تجربه های شخصی از جمله رنج و درد، شادی، آرمان و آرزو و... به وضوح احساس می شود. اگر هنرمند با داشتن تکنیک خوب ارائه تصاویر ملموس و رنگهای آشنا، تجربیات فردی و حالات درونی خود را بیشتر نمایش میداد بی شک به رسالت هنر و به انسان درون همه ما که در لایه های پنهان وجودمان غریب و تنها و گمنام مانده

بیش سواد و دانش فردی درونی و اجتماعی اش، از اثر هنری تاثیر می گیرد. اثر هنری با خلق زیبایی، برانگیختن احساس و ایجاد تفکر و آگاهی برمخاطب تاثیر می گذارد و هرچه اثر هنرمند تاثیر گذارتر باشد، در رسالت هنری خود موفق تر خواهد بود. در آثار خانم قزل رنگها، تصاویر، طبیعت و اشکال نا آشنا به مخاطب نیست، همه اینها برگرفته از سنت و فرهنگ آداب و رسوم و پیشینه تاریخی قوم ترکمن میباشد. هر مخاطبی بخصوص مخاطب بومی به راحتی می تواند با آثار رابطه برقرار کند. در جامعه ترکمن که در اقلیت و محدودیت نسبت به جامعه بزرگتر کشوری وجهانی قرار دارد، زایش و تبلور چنین هنرها و هنرمندانی قابل تحسین و ستایش میباشد. جامعه ای که با داشتن اصالت، زیبایی و سادگی هنوز جای رشد و جای کار و تلاش دارد تا به یک جامعه متمدن، متعادل و آگاه و تاثیرگذار بر جامعه های دیگر تبدیل شود. در آثار خانم قزل، رویش، تولد، تکامل، اصالت، طبیعت بکر، گرما و جریان زندگی در دنیای ساده و بی آلاش موج می زند. با اینکه اکثر آثار تصویر در تصویر است و ما در یک تابلو (اثر هنری) در حین اینکه با یک تصویر و دنیا مواجه هستیم، با چندین دنیا و تصویر دیگر هم برخورد داریم که در این تصاویر، رنگها و مفاهیم با هم در ارتباط و هماهنگی هستند. تضاد و ناهمخوانی وجود ندارد و هماهنگی و وحدت در این آثار به چشم میخورد. هر چه یک اثر هنری از کثرت فاصله بگیرد و به وحدت (یگانگی) نزدیک تر باشد به مراتب به اصل و حقیقت خود نزدیک شده است. در این آثار از رنگهای شاد و زنده که از طبیعت پیرامون الهام گرفته شده، استفاده شده است. با توجه به آثار پیشین هنرمند رنگها از یکنواختی و تکراری بودن در آمده که نشان از این دارد که هنرمند وارد دنیایی بزرگتر و وسیعتر شده است. همان طور که می دانیم رنگها در هنر نقاشی مفاهیم بخصوصی دارند. در آثار پیشین



رسالت هنر و هنرمند در خلق زیبایی ها



آمنه کلته

رسالت هنر و هنرمند پس از ارائه وخلق زیبایی ها، آگاهی بینش و تعمق به مخاطب است و مخاطب بنا به سطح

پایان ساختمان هواشناسی گنبد کاووس؛

گامی به سوی رصد راداری دقیق تر



اقلیم شناسی، ۸۰ ایستگاه باران سنجی، ۲۷ ایستگاه خودکار، ۱۳ ایستگاه باران سنجی بر خط، یک ایستگاه جاده ای (خوش بیلاق)، یک ایستگاه جو بالا، یک سامانه برآورد شعاع دید افقی در امتداد باند فرودگاه در ۲ سامانه پایش گرد و غبار، ۲ سامانه تشعشع سنجی (اینچه برون و مراوه تپه) و یک سکوی دریایی و ۲ گیرنده تصاویر ماهواره و رادار در مجموع ۱۶۲ سامانه و ایستگاه دارد.

هواشناسی گلستان همچنین گفت: با افتتاح مرحله نخست سامانه رادار هواشناسی گنبدکاوس کمک به صدور پیش بینی های خیلی کوتاه مدت سامانه های جوی، پایش و سنجش ویژگی های ابرهای بارشی منطقه، تخمین آب قابل بارش ابرها و مناطق متأثر از بارش های شدید، امکان پذیر خواهد شد. وی افزود: هم اکنون استان گلستان ۱۰ ایستگاه سینوپتیک و فرودگاهی، ۲۲ ایستگاه

گنبدکاووس، نصب تجهیزات راداری که توسط سازمان هواشناسی کشور با اعتباری بالغ بر ۶۰۰ میلیارد ریال خریداری و در حال انتقال به کشور است، انجام خواهد شد. کمالی ادامه داد: تکمیل برخی بخش های ساختمانی پروژه سامانه رادار هواشناسی گنبدکاووس در قالب مرحله دوم نیز با پیش بینی اعتبار ۱۲۰ میلیارد ریال در سال مالی ۱۴۰۴ و تخصیص آن محقق خواهد شد. مدیرکل

لیلا حسین زاده- تکمیل ساختمان رادار هواشناسی گنبدکاووس با تخصیص ۷۲ میلیارد ریال اعتبار جدید از منابع استانی، نوید بخش افتتاح مرحله نخست این پروژه حیاتی در این استان شمالی با اقلیم آب و هوای نیمه خشک توسط دولت وفاق دکتر پزشکیان است. کشاورزی بودن گلستان و ضرورت رصد دقیق پدیده ها و جریان های جوی برای برخورداری از نزولات آسمانی و نیز پیشگیری از خسارات احتمالی از نیازهای اساسی این استان شمالی متولیان این بخش را برای راه اندازی سامانه رادار هواشناسی مدرن در آن ترغیب کرد. به همین دلیل ساخت نخستین سامانه رادار هواشناسی گلستان در گنبدکاووس که مجوز آن در سال ۱۳۹۹ و در پی سفر رییس وقت سازمان هواشناسی کشور به این شهرستان مرزی صادر شده بود در مرداد ۱۴۰۱ و با تخصیص ۴۰ میلیارد ریال اعتبار با زیربنای هزار و ۱۴۰ مترمربع آغاز شد. در ادامه ساخت این پروژه مهم در سال ۱۴۰۲ هم ۱۰۰ میلیارد ریال برای تکمیل آن تخصیص یافت که پیشرفت ساختمان رادار هواشناسی گنبدکاووس را به ۴۶ درصد افزایش داد. همچنین اعتبار پیش بینی شده برای سال جاری برای تکمیل ساختمان سامانه رادار هواشناسی گنبدکاووس ۱۷۰ میلیارد ریال بود که به تازگی با توجه ویژه استاندار گلستان و رییس سازمان مدیریت و برنامه ریزی استان ۷۲ میلیارد ریال آن تخصیص یافته است. مدیرکل هواشناسی گلستان در این خصوص بیان کرد: با اعتبار جدید تخصیص یافته و با تخصیص ۱۰۰ درصدی ۹۸ میلیارد ریال باقی مانده اعتبارات سال مالی جاری افتتاح فاز نخست پروژه ساختمان رادار هواشناسی گنبدکاووس در هفته دولت سال آینده انجام خواهد شد. امان محمد کمالی افزود: با تکمیل فاز نخست ساختمان رادار هواشناسی

اگر زبان مادری بمیرد، هویت ما چه می شود؟

رسانه‌ها و ارتباطات روزمره نقش پررنگی دارد. این موضوع باعث شده است که نسل جوان کمتر به زبان مادری خود صحبت کند. کم‌توجهی به آموزش زبان‌های محلی دیگر چالش زبان‌های بومی است چرا که در سیستم آموزشی ایران، زبان فارسی به عنوان زبان اصلی تدریس می‌شود و زبان‌های محلی جایگاهی در مدارس ندارند. این موضوع باعث می‌شود که نسل جوان نه تنها با زبان مادری خود آشنا نشود، بلکه حتی ممکن است آن را فراموش کند. مهاجرت از روستاها به شهرها و تغییر سبک زندگی، یکی دیگر از عوامل تهدیدکننده زبان‌های بومی است. در شهرها، به دلیل تنوع قومی و زبانی، افراد ترجیح می‌دهند به زبان فارسی صحبت کنند تا بتوانند با دیگران ارتباط برقرار کنند. با وجود تلاش‌های پراکنده، برنامه‌های منسجم و گسترده‌ای برای حفظ و احیای زبان‌های محلی در گلستان وجود ندارد. برای مقابله با این چالش‌ها و حفظ زبان‌های بومی در استان گلستان، راه‌حلهایی مانند آموزش زبان محلی در مدارس، برگزاری مستمر جشنواره‌ها و برنامه‌های فرهنگی، ثبت و مستندسازی زبان‌های در خطر، تشویق خانواده‌ها به صحبت با زبان مادری وجود دارد که می‌توانند به حفظ این میراث ارزشمند کمک کنند. استان گلستان با تنوع زبانی و فرهنگی خود، گنجینه‌ای ارزشمند است که باید از آن محافظت کرد. اما این گنجینه در معرض خطر فراموشی قرار دارد. نفوذ زبان فارسی، کم‌توجهی به آموزش زبان‌های محلی، مهاجرت و نبود برنامه‌های فرهنگی، همگی عواملی هستند که زبان‌های بومی این استان را تهدید می‌کنند. روز جهانی زبان مادری فرصتی است تا به این چالش‌ها توجه کنیم و با اقدامات عملی، از این میراث زبانی محافظت کنیم. زبان مادری، نه تنها یک ابزار ارتباطی، بلکه بخشی از هویت و فرهنگ هر جامعه است. بیایید در کنار هم، از این گنجینه‌های زبانی در استان گلستان و سراسر ایران محافظت کنیم. زبان مادری، تنها یک مجموعه از واژه‌ها و دستور زبان نیست؛ بلکه روح یک فرهنگ، تاریخ یک جامعه و هویت یک قوم است. اگر زبان مادری از بین برود، تنها یک ابزار ارتباطی را از دست نخواهیم داد، بلکه بخشی از وجود خود، خاطرات اجدادمان و میراث فرهنگی‌مان را نیز برای همیشه فراموش خواهیم کرد. زبان مادری، پل ارتباطی بین گذشته، حال و آینده است. اگر این پل از بین برود، نسل‌های آینده بخشی از هویت خود را گم خواهند کرد. بنابراین، حفظ زبان مادری تنها یک وظیفه فرهنگی نیست، بلکه یک مسئولیت انسانی است.



زبان‌های ترکی است، بیشتر در مناطق روستایی و عشایری استان رواج دارد. زبان قزاقی دارای ادبیات شفاهی غنی است که شامل داستان‌های حماسی و اشعار قدیمی می‌شود و موسیقی قزاقی نیز با سازهای محلی مانند دلمبورا، بخشی از فرهنگ این قوم است. تعداد گویشوران قزاقی در گلستان بسیار کم است و این زبان در معرض خطر فراموشی قرار دارد و نبود برنامه‌های فرهنگی و آموزشی به زبان قزاقی، باعث شده است که این زبان به حاشیه رانده شود.

گویش‌های محلی فارسی

فارسی‌زبانان در گلستان با گویش‌های محلی مانند گرگانی و مازندرانی صحبت می‌کنند. این گویش‌ها، که تحت تأثیر زبان‌های ترکی و مازندرانی قرار گرفته‌اند، بخشی از هویت فرهنگی این منطقه هستند. گویش گرگانی که در شهر گرگان و مناطق اطراف آن رواج دارد، دارای واژگان و اصطلاحات خاص خود است و گویش مازندرانی نیز در مناطق جنوبی استان صحبت می‌شود و ادبیات شفاهی غنی دارد. نسل جوان به دلیل تأثیر رسانه‌های ملی و آموزش رسمی، کمتر به این گویش‌ها صحبت می‌کنند و کمبود برنامه‌های فرهنگی و آموزشی برای حفظ این گویش‌ها، آن‌ها را در معرض خطر قرار داده است.

چالش‌های مشترک زبان‌های بومی

با وجود تفاوت‌های زبانی و فرهنگی، زبان‌های بومی استان گلستان با چالش‌های مشترکی روبرو هستند. زبان فارسی به عنوان زبان رسمی کشور، در آموزش،

همسایه مانند فارسی و روسی قرار گرفته‌اند. موسیقی ترکمنی، به ویژه با ساز دوتار، بخشی جدایی‌ناپذیر از فرهنگ ترکمن‌ها است و بسیاری از اشعار و داستان‌های قدیمی به این زبان حفظ شده‌اند. یکی از چالش‌های پیش روی زبان ترکمنی آن است که نسل جوان ترکمن به دلیل تأثیر رسانه‌های فارسی‌زبان و آموزش رسمی، کمتر به زبان ترکمنی صحبت می‌کنند و از طرف دیگر کمبود برنامه‌های آموزشی و فرهنگی به زبان ترکمنی، این زبان را در معرض خطر قرار داده است.

زبان بلوچی

بلوچ‌ها یکی دیگر از گروه‌های قومی ساکن در گلستان هستند که به طور عمده در مناطق شرقی استان زندگی می‌کنند. زبان بلوچی، که جزو زبان‌های ایرانی غربی است، با گویش‌های مختلفی در این منطقه صحبت می‌شود. این زبان دارای ادبیات شفاهی غنی است که شامل داستان‌ها، اشعار و ضرب‌المثل‌های قدیمی می‌شود و موسیقی بلوچی نیز با سازهای محلی مانند تنبورک و سرود، بخشی از فرهنگ بلوچ‌ها است. تعداد گویشوران بلوچی در گلستان به نسبت کم است و این زبان در معرض خطر فراموشی قرار دارد که نبود برنامه‌های آموزشی و رسانه‌ای به زبان بلوچی، باعث شده نسل جوان کمتر با این زبان آشنا شود.

زبان قزاقی

قزاق‌ها نیز یکی از گروه‌های قومی کوچک‌تر در گلستان هستند که به زبان قزاقی صحبت می‌کنند. این زبان، که جزو

اگر زبان مادری بمیرد، هویت ما چه می‌شود؟ زبان مادری، تنها یک ابزار برای ارتباط نیست؛ بلکه قلب تپنده هویت، فرهنگ و تاریخ هر جامعه است. زبان، حامل اندیشه‌ها، باورها، داستان‌ها و تجربه‌های نسل‌های گذشته است. وقتی زبانی از بین می‌رود، تنها واژه‌ها نیستند که فراموش می‌شوند، بلکه بخشی از هویت جمعی یک جامعه نیز برای همیشه ناپدید می‌شود. به گزارش ایرنا، در استان گلستان، این خطر به وضوح احساس می‌شود. زبان‌ها و گویش‌های زیبایی مانند ترکمنی، بلوچی، قزاقی و گویش‌های محلی فارسی، هر یک بخشی از تاریخ و فرهنگ این منطقه را در خود حفظ کرده‌اند. اما امروز، این زبان‌ها در سایه زبان رسمی و تغییر سبک زندگی، در حال فراموشی هستند. اگر زبان مادری بمیرد، چه بر سر هویت ما خواهد آمد؟ هویت، مانند درختی است که ریشه‌های آن در زبان و فرهنگ نهفته است. اگر این ریشه‌ها خشک شوند، درخت هویت ما نیز به تدریج پژمرده خواهد شد. نسل‌های آینده ممکن است دیگر ندانند که اجدادشان چگونه زندگی می‌کردند، چه داستان‌هایی می‌گفتند و چه آوازهایی می‌خواندند. آن‌ها ممکن است بخشی از خود را گم کنند، بخشی که تنها با زبان مادری قابل انتقال است. اما هنوز دیر نشده است. با تلاش جمعی، می‌توانیم زبان‌های مادری را زنده نگه داریم و هویت خود را به نسل‌های بعدی منتقل کنیم. این، نه تنها یک وظیفه فرهنگی، بلکه یک ضرورت انسانی است. زیرا اگر زبان مادری بمیرد، هویت ما نیز به همراه آن خواهد مرد. استان گلستان، با طبیعت زیبا و فرهنگ غنی خود، یکی از مناطق مهم ایران از نظر تنوع زبانی و قومی است. این استان، خانه اقوام مختلفی مانند ترکمن‌ها، فارسی‌زبانان، قزاق‌ها، بلوچ‌ها و دیگر گروه‌های قومی است که هر یک با زبان و گویش خاص خود، بخشی از هویت فرهنگی این منطقه را تشکیل می‌دهند. اما در کنار این تنوع زیبا، چالش‌های جدی‌ای وجود دارد که زبان‌های بومی این استان را تهدید می‌کنند. روز جهانی زبان مادری (۲۱ فوریه) فرصتی است تا هم به این گنجینه‌های زبانی توجه کنیم و هم به چالش‌هایی که آن‌ها را در معرض خطر قرار داده‌اند، بپردازیم.

زبان ترکمنی

ترکمن‌ها یکی از بزرگ‌ترین گروه‌های قومی در استان گلستان هستند که به طور عمده در شهرهای شمالی مانند گنبدکاووس، آق‌قلا و بندرترکمن زندگی می‌کنند. زبان ترکمنی، که جزو زبان‌های ترکی بوده، یکی از زبان‌های زنده و پویای این منطقه است. این زبان دارای گویش‌های مختلفی است که تحت تأثیر زبان‌های

مشارکت زنان نقش به سزایی در افزایش درآمد خانوار دارد، گفت: باید از ظرفیت این قشر در توسعه اقتصادی جامعه و به ویژه استان گلستان استفاده بهینه شود. فریده باستان‌یان افزود: نخستین و مهمترین موضوعی پیش روی بانوی کارآفرین، کسب رضایت خانواده در این راه است و اگر خانواده همراه باشد به طور قطع در فعالیت اقتصادی اش پیشرفت خواهد کرد که نمونه زیادی از بانوان موفق کار آفرین در استان داریم. وی به بانوان علاقمند به کارآفرین به ویژه در استان گلستان توصیه کرد دانش و مهارت مدیریتی خود را برای موفق در این راه افزایش دهند. آناهیتا مهشیدی، معاون اداره کل امور بانوان و خانواده استانداری گلستان نیز با اشاره به نقش موثر بانوان کارآفرین استان برای مشارکت در توسعه اقتصادی، گفت: این قشر با وجود این که در کنار خانه داری، در حوزه اقتصادی فعالیت دارند باید برای ادامه کار بیش از گذشته مورد حمایت دستگاه‌های خدمات رسان قرار گیرند.

در راه فعالیت آنها، می‌توان بخشی از اقتصاد کشور و همچنین زندگی شخصی آنها را تقویت کرد. وی در مورد کارآفرین بانوان در کشور نیز گفت: این قشر با همت و صف ناپذیر، موانع سر راه فعالیت اقتصادی خود را برداشتند که باید به عنوان الگو در جامعه معرفی شوند. رئیس کمیسیون مسوولیت اجتماعی اتاق بازرگانی ایران با تاکید بر سرمایه‌گذاری در رفع موانع سر راه فعالیت بانوان کارآفرین در کشور، افزود: ۳۳ درصد از جمعیت کارآفرینان زن در کشور به دلیل عدم سودآوری، کسب و کار خود را تعطیل کردند که علت اصلی آن به پایین بودن دانش مدیریتی در اختیار است. وی گفت: برای برگشت این سرمایه به اقتصاد کشور باید بستر آموزش برای خودباوری بانوان علاقمند در حوزه کارآفرینی بیش از گذشته فراهم شود. اولیایی پیشنهاد کرد میز مشاوره برای بانوان کارآفرین در استان‌ها از جمله گلستان راه‌اندازی شود. رئیس کانون زنان کارآفرین اتاق بازرگانی گرگان نیز با اشاره به این که

روابط عمومی، محمود اولیایی در دومین همایش تجلیل از بانوان کارآفرین استان گلستان با عنوان «زن، خودباوری، اقتصاد» گفت: نیاز به تقویت خودباوری در زنان ایرانی بیشتر از پیش احساس می‌شود چرا که این قشر جامعه در حوزه‌های مختلف شامل اجتماعی، اقتصادی و حتی سیاسی نشان داده‌اند نقش مهمی در توسعه کشور دارند. وی اشاره کرد: بر اساس آمار موجود حدود ۳۵ میلیون نفر از جمعیت کشور به عنوان جمعیت غیرفعال شناخته می‌شوند، که ۷۰ درصد این تعداد را زنان تشکیل می‌دهند. اولیایی یادآور شد: در حال حاضر، ۲۵ میلیون زن در سن کار در کشور وجود دارند که این گروه بزرگ جمعیت به طور کلی از عرصه اقتصادی محروم هستند، و این وضعیت ناشی از کم‌توجهی به ظرفیت‌های اقتصادی زنان است. رئیس کمیسیون مسئولیت اجتماعی اتاق بازرگانی ایران افزود: ظرفیت این جمعیت آماده کار، در حال از بین رفتن است؛ اما با برنامه‌ریزی مناسب و برداشتن موانع موجود

زنان ایران گنجینه‌ای فراموش شده در مسیر کارآفرینی هستند

رئیس کمیسیون مسئولیت اجتماعی اتاق بازرگانی ایران با اشاره به ظرفیت بی‌ظنیر زنان کشور که تاکنون چندان مورد توجه قرار نگرفته است، اعلام کرد: در حال حاضر تنها ۲۲ درصد از پتانسیل زنان ایران در عرصه کارآفرینی مورد استفاده قرار می‌گیرد که میانگین بهره‌برداری از این ظرفیت در کشورهای خاورمیانه ۲۵ درصد است. به گزارش